

پژوهش کاربردی در حسابداری : تفسیر و تحلیل

ملک تاج ملک اسکویی^۱

^۱ هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

ملک تاج ملک اسکویی

m_oskouei@iau-tnb.ac.ir

چکیده

مقاله پیش رو ترجمه‌ی مقاله «پژوهش کاربردی در حسابداری»^۱ نوشته آلن ریچاردسون^۲ است. وی معتقد است که واژه‌ی پژوهش کاربردی (تحقیق تجربی) در حسابداری دقیقاً تعریف نشده است و سه شکل از پژوهش‌های کاربردی را شناسایی می‌نماید: ۱. استفاده از دانش روز جهت یافتن راه حلی برای مشکلات جاری. ۲. استفاده از روش‌های پژوهش اثباتی در اجرای آزمون‌های انتقادی بین روش‌های گوناگون حسابداری و شناسایی قواعد عملی به منظور پیشبرد دانش فنی و رویه عمل. ۳. کنکاش منظم و اقدام پژوهی در جهت گسترش تئوری و ایجاد نتایج عملی که منجر به پیشرفت و افزایش توانایی‌های یک جامعه‌ی حرفه‌ای شود. چنین به نظر می‌رسد که روش سوم قادر به ایجاد پلی بین دانشگاه و حرفه باشد.

واژگان کلیدی: اقدام پژوهی، پژوهش کاربردی (تحقیق تجربی)، عمل‌گرایی، انفصال

مقدمه

در ادبیات حسابداری به «پژوهش کاربردی» کمتر پرداخته شده است. به نظر افرادی چون ویریش^۱ و ریناستین^۲ (۲۰۰۰)، زیبارت^۳ و فلر^۴ (۲۰۰۱) پژوهش کاربردی، فرایند تطابق ویژگیهای معاملات با راهکارهای معتبر است که برای توجیه موارد خاص گزارشگری مالی یا مالیاتی استفاده می شود. دمسکی^۵ پیشنهاد می دهد که به جای واژه ی پژوهش کاربردی از «کاوش کاربردی» استفاده شود چون کاوش فقط یک بار اتفاق می افتد. این کتابها به توسعه ی مهارتها در تحلیل معاملات تأکید دارند. اگر چه یادگیری چنین مهارتهایی برای دانشجویان و کارآموزان اهمیت دارد ولی مفهوم «پژوهش کاربردی» گسترده تر است.

از دیدگاه حسابداران کانادا انتخاب عنوان پژوهش و ماهیت پژوهشی که از منظر کاربردی انجام می شود، باید متمایز باشد. این مقاله قصد دارد به ماهیت پژوهش کاربردی و ساختارهای فلسفی زیر بنای آن بپردازد. قصد این است که به رویکردی از پژوهشهای کاربردی که اکثر پژوهشگران حسابداری به آن توجه نکرده اند، پرداخته شود.

افراد در رشته های کاربردی مانند حسابداری مهارتهای پایه ای را مستقیماً می آموزند. حسابداری هم یک رشته ی دانشگاهی است و هم شاخه ای از مهارتهای فنی حرفه ای. این ماهیت دوگانه موجب عدم توافقها و انفصال بین دانشگاه و حرفه شده است که شناخت چرایی عدم تأثیر سریع نتایج پژوهش های دانشگاهی بر حرفه در کاهش این انفصال مفید است.

به طور معمول بین پژوهش بنیادی و پژوهش کاربردی تمایز وجود دارد. تفاوت بین دیدگاهها مربوط به هدف پژوهشگر است. یک پژوهشگر کاربردی بر یافتن راه حلی به مشکل موجود اجتماعی، سازمانی، انفرادی تمرکز دارد در حالی که پژوهشگر بنیادی در جستجوی راه حلی برای مباحث تئوریک است. تمایز بین شاخه های پژوهش بیشتر منوط به هدف و قصد پژوهشگر است تا روش انجام پژوهش. به نظر نویسنده، در پژوهش کاربردی، پژوهشگر تعهد دارد تا مشکل «مربوط» به سازمان یا جامعه را به روشنی بیان کند و سپس راه حل ویژه ای را برای آن مشخص نماید. نیازها و فشارهای اجتماع و بازار کسب و کار بر دانشگاهیان، دیدگاه کاربردی در آموزش و پژوهش حسابداری را تشویق می کند.

ارتباط مبحث

چون به رشته ی حسابداری به عنوان یک مهارت حرفه ای نگاه می شد، در ابتدا بر سرگنجاندن رشته ی حسابداری در زمره ی دروس و علوم دانشگاهی مقاومت می شد. دروس بازرگانی نیز به سبب استانداردهای پایین و عدم توسعه تئوریکی، مورد انتقاد بودند. گزارشها در خصوص آموزش حسابداری در آمریکا بیانگر این موضوع بود که حسابداری باید بنیان و هسته مرکزی رشته های اقتصاد، آمار، روانشناسی و جامعه شناسی باشد که این تفکر باعث شد رشته حسابداری به دانشکده های علوم اجتماعی منتقل شود. همین امر اولین جرقه ی جدایی بین دانشگاهیان و شاغلین بود.

پیدایش انفصال بین حرفه حسابداری و دانشگاهیان از اوایل ۱۹۰۰ مطرح شده است ولی از دهه ۱۹۷۰ میلادی شدت بیشتری به خود گرفت. انتقادات بر ارتباط آموزش دانشگاهی با میزان موفقیت در حرفه و ارتباط پژوهش دانشگاهی با میزان تأثیر آن بر حرفه متمرکز بود. توجه به ارتباط تحصیل دانشگاهی با حرفه تا حدودی به سبب تغییرات در روابط دانشگاه و جامعه بوده است. به سبب افزایش میزان فارغ التحصیلان در آموزشگاهها، به ناچار دانشگاهها از نخبه گرایی به سمت آموزش انبوه حرکت کردند و افزایش محدودیتها برای طرحهای پژوهشی و موافقت با طرحهای سودآور، پژوهش دانشگاهی را بازاری محور کرده است.

¹ Weirich

² Reinstein

³ Zeibart

⁴ Feller

⁵ Demsky

یکی از روندهای رو به رشد در محیط های دانشگاهی کاهش میزان بودجه دولتی است که منجر به افزایش شهریه دانشگاه ها و تأمین مالی از طریق طرح های پژوهشی شده است. تغییر در منبع درآمدی دانشگاه ها، اهداف و معیار عملکرد دانشگاه ها را تحت تأثیر قرار داده است.

اهمیت یافتن منابع مالی غیردولتی در دانشگاه ها منجر به پاسخگویی بیشتر دانشگاه ها به گروه های ذینفع مالی شده است. دانشجویان به مثابه صاحبکارانی هستند که برنامه های درسی طبق نیازهای آنان تنظیم می شود که انعطاف پذیری بیشتر در زمان بندی و مکان را به دنبال دارد. پژوهش کاربردی نیز به منبعی برای تأمین مالی دانشگاه تبدیل شده است. چنین وضعیت دشواری برداشته شدن اثر می گذارد. از یک طرف دانشگاه ها به سبب رسالت تاریخی شان در بسط و گسترش و نگهداری دانش جامعه باید تا حدودی استقلال عمل داشته باشند و بر فرایند نظارت بر دانشکده ها تأکید شود؛ از طرفی هم از دانشگاه ها انتظار می رود که حجم بالای فراگیران دانش را پوشش دهند. هم چنین دانشگاه ها تسهیل کننده رشد اقتصادی هستند که در این راستا دولتمردان و مسئولین دانشگاهی در جستجوی راههایی جهت تحقق آن هستند. اگرچه بین رسالت تاریخی دانشگاه ها و وضعیت موجود دانشگاه ها همخوانی وجود ندارد، تأکید بر پژوهش و آموزش با رویکرد کاربردی امری غیر قابل اجتناب است.

دیدگاهی بر پژوهش کاربردی

عدم قدردانی از دانشگاهیان برای انجام پژوهش کاربردی و نبود تمرکز کافی در آن خصوص، بر مشکلات دانشگاهی و حرفه افزوده است. از آنجاییکه به طور مداوم بحث «انفصال» حرفه و دانشگاه مطرح است، باید در خصوص چگونگی واکنش به آن صحبت کرد. برخی دانشگاهیان چون عبدالخلیق و آجینکا^۱ (۱۹۷۹) پیشنهاد داده اند که شاغلان نیاز به آموزش دانشگاهی دارند تا استفاده کنندگان بهتری از نتایج پژوهش های دانشگاهی باشند. اگرچه روز به روز بر کاربردی تر بودن پژوهش و آموزش تأکید می شود، پرسش این است که تغییر در دیدگاه نیازمند چه تمهیداتی است؟

پژوهش کاربردی مفهومی فراتر از کاربرد پژوهش بنیادی است و صرفاً در جستجوی یک راه حل معتبر برای مشکلات گزارشگری مالی نیست. دیدگاهی کاربردی نیازمند یک تغییر پایه ای در روش طراحی پژوهش است.

پژوهش کاربردی: عمل گرایی و اثبات گرایی

پژوهش کاربردی باید روشهای برخورد با واقعیت ها را فراهم نماید. مثل کمک کردن به مردم تا دنیایی را که در آن زندگی می کنند بهتر درک نمایند و یا فراهم کردن ابزاری برای مدیریت کردن واقعیت ها. در رویکرد شناسایی موضوعات پژوهش باید نتیجه آزمون عملگرایی مثبت باشد، یعنی به پرسش «آیا نتایج پژوهش باعث ایجاد تفاوت در وضع موجود می شود؟» پاسخ مثبت داد. در برخی موارد یک پژوهش آزمون دقت آماری را پشت سر می گذارد ولی در آزمون عملگرایی ناموفق است.

پیوند علوم بازرگانی با نظام های فکری و عقلانی، همراه با تعهد به اثبات گرایی و علوم عملی بود. در اثبات گرایی با روش فرضیه های قیاسی علم خوب تعریف می شود به طوری که درستی آن بر مبنای شواهد عملی از روابط بین فرضیه هایی است که به صورت عملیاتی تعریف شده اند و متغیرهای شان مستقلاً اندازه گیری شده اند. از دیدگاه اکثر منتقدان، برخی از پژوهش های علوم بازرگانی بدیهی است زیرا در باره قواعد عملی مواردی صحبت می کنند که از قبل اجماع شهودی در آن خصوص وجود دارد و اهمیت اجتماعی کمی نیز دارند و بر اساس مدل های ساده شده ای از واقعیت هستند و یا هیچ مفهوم و معنای عملی ندارند. در پژوهش کاربردی سعی بر این است که به جای رویکرد اثبات گرایی بر رویکرد عمل گرایی تمرکز شود.

عمل گرایی یک رویکرد برای مشکلات فلسفی است که بر تبعات یک اختلاف نظر تمرکز دارد. هنگام تصمیم گیری در باره صحت و درستی یک بیانیه، ابتدا هدف از انجام کار مشخص می شود و سپس تعیین می شود که آیا بیانیه برای رسیدن به هدف کمک کننده است یا نه. این

¹ Abdel Khalik and Ajinka

رویه با توصیف ماتسیج^۱ از حسابداری به عنوان یک رشته علمی مشروطی _ هنجاری مطابقت دارد. به عبارت دیگر آنچه که ما پژوهش می کنیم و آنچه که ما در قالب شواهد می پذیریم همگی بستگی به این دارد که به دنبال چه چیزی هستیم؛ که به صورت ضمنی ممکن است عواملی که جهت تشریح عمل استفاده می شود ضرورتاً «واقعی» (مشاهده کنندگان خارجی با اندازه گیری مستقل آن را تأیید کنند) نباشد و شامل درک ها و سایر متغیرهای روانشناختی و جامعه شناختی باشد. هستی شناسی عملگرایی _ آنچه که به عنوان بخشی از واقعیت پذیرفته شده است _ صرفاً محدود به مواردی است که به جامعه کمک می کند تا به اهدافش نایل شود.

فرد عمل گرا «استراتژی» شرکت و یا «تعهدات اخلاقی» افراد را متغیرهای توصیفی معتبر قلمداد می کند در حالی که این واژه ها در تجربی گرایی به دلیل تأیید ناپذیری مستقل رد می شوند. راتری^۲ (۱۹۹۱) عمل گرایی را «ضد ایده پردازی» توصیف می کند. به این خاطر که عمل گرایی دانش را کسب واقعیت درست نمی داند، بلکه دانش را وسیله ای جهت تعیین روشهای برخورد و کنار آمدن با واقعیت می داند.

اهمیت حقیقی در برابر اهمیت آماری

رویکرد عمل گرایی در پژوهش بر استفاده از آزمون های آماری به عنوان معیار ارزش یافته های پژوهش تمرکز می کند. از آنجاییکه هزینه محاسبات آماری کاهش یافته است، پژوهشگران به پایگاه داده های بیشتری دسترسی دارند و توانایی دستکاری داده ها را هم دارند، در نتیجه از نظر آماری قدرت شناسایی هر اثر کوچک فراهم است. امروزه توانایی شناسایی همبستگی های با اهمیت آماری و تعداد ارقام آن از تعداد ارقام با اهمیتی که مجلات در چاپ مقالات به آن توجه دارند، پیشی گرفته است.

نکته قابل توجه در استفاده از سطوح اهمیت آماری در پژوهش است. در پژوهش بر ماهیت قراردادی « $p < 0.05$ » برای میزان اهمیت آماری تأکید می شود؛ در حالیکه به تناظر بین نتایج اهمیت آماری و میزان تکرار شونگی آن نتایج و به محدودیت آزمون مقیاس های ترتیبی توجهی نمی شود و به جای توجه بر اندازه مؤثر به جهت ارتباط نگاه می شود. اندازه مؤثر از دیدگاه کاربردی سؤالی مهم و حساس است. موضوع این است که آیا یک رابطه مشاهده شده علاوه بر اهمیت آماری اهمیت حقیقی نیز دارد؟ وجود اهمیت آماری ضروری است اما شاخصی تعیین کننده برای اهمیت حقیقی نیست. اهمیت آماری در پژوهش با حجم نمونه بالا مورد توجه است ولی اگر قصد بر تبیین موارد خاص از یک پدیده باشد آنگاه اهمیت آماری معیار مناسبی برای قضاوت اعتبار نتایج نیست. در فرایند آزمون تئوری، چنانچه رابطه با اهمیت آماری وجود داشته باشد، فرضیه صفر رد می شود. اما چنانچه یک اشتباه با انحراف ۹۰٪ در برخی پدیده ها باشد، آیا می توان بر مبنای آن مشاهده عمل کرد؟

بخشی از محدودیت در بیان سطح انحراف ممکن است به خاطر ترجیحات اکثر پژوهشگران اثبات گرا در تبیین پدیده ها بر مبنای علت و معلولی باشد که از یک چارچوب تئوریک ضعیفی ناشی شده است. در چنین رویکرد قیاسی احتمال وجود ساز و کارهای علت و معلولی چندگانه بر مبنای اصول متناقض بعید است (به عنوان مثال فرض غالب اکثر پژوهشگران حسابداری «منطق اقتصادی» است - متغیرهایی که از نظر تئوری ارتباطی با هزینه ها و منافع انتخابها ندارند، در مدل گنجانده نمی شوند، ولی به سادگی بخشی از خطای انحراف می شوند). این رویکرد زمانی مناسب است که هدف پژوهش آزمودن یک تئوری باشد، اما زمانی که فردی به دنبال درک کافی درباره نحوه ی عمل مورد خاصی است، این رویکرد به یک محدودیت تبدیل می شود. لی^۳ (۲۰۰۱) در باره فرض بازارهای کارا در پژوهش حسابداری مالی این رویکرد را شبیه سازی کرد. فرض مثل این است که اقیانوس ها به دلیل تأثیر جاذبه مسطح هستند - اما «اگر ما در حرفه آموزش موج سواری باشیم، آیا منطقی است که فرض شود از نظر تئوری موج ها وجود ندارند؟».

¹ Mattessich

² Rotry

³ Lee

تشریح پدیده ها در مقابل آزمودن تئوری به منظور تمرکز بر پژوهش

پژوهش کاربردی باید قدرت تبیین و فهم بالایی را جهت نحوه عمل شاغلان فراهم نماید. به این معنا که پژوهش به جای آزمودن موارد محدودی از یک تئوری خاص باید به آزمودن مدل های پیچیده و همه جانبه پدیده ها تمرکز کند. این سطح از قدرت تفسیر و بیان نیازمند تغییر از رویکرد پژوهشی قانون نگری^۱ به اندیشه نگاری^۲ است (ناگل، ۱۹۶۱^۳).

پژوهش قانون گرا بر یافتن قوانین کلی از طبیعت تکیه دارد در حالی که پژوهش اندیشه گرا در جستجوی بیان موقعیت های خاص از پدیده های طبیعی است. هدف پژوهش قانون گرا کاستن ابعاد پیچیده پدیده ها به ابعاد ساده تر است. به عنوان مثال، به جای تئوری اقتصادی استهلاک برای هر دارایی خاص به طبقه بندی های گسترده ای از داراییها که ویژگی های مشترک دارند، می پردازد. متشابهاً می توان تمام رویه های موجود انسانی برای محاسبات اقتصادی را به چند نوع مدلهای قابل آزمون رفتاری کاهش داد. هر چند که این مدل ها نتوانند بخش وسیعی از انحراف در پدیده ها را شرح دهند. بیان بیشتر انحراف ها به عوامل گسترده تری نیاز دارد.

جهت تحقق این خواسته پارادایم اثبات گرایی تا حدودی کمک می کند. فرا خوان های چندی برای پژوهش بین رشته ای در حسابداری صورت گرفته است که می تواند به غنای تئوری هایی که در حسابداری جهت تبیین پدیده ها استفاده می شود کمک کند. توسعه ی «مالیه رفتاری» مثالی از شروع مفروضات رفتاری واقع گرایانه تر در تئوری های فرایند های بازار است. این رویکردها در جستجوی ارائه درک بهتر برای ما هستند. بدین صورت که اطمینان دهند مفروضات ساده تری که نسبت به قبل استفاده می کنیم «واقع گرایانه تر» هستند و یا چار چوب تئوریک فراهم نمایند تا بتوان استفاده از متغیر های توضیحی بیشتر را توجیه نمود. از طرفی، هنگام آزمون فرضیات، استفاده از رویکرد اثبات گرایی ممکن است مفید واقع شود و به رد یک رویکرد خاص در حسابداری بینجامد _ به عنوان مثال، زمانی که فرضیات به صورت آزمون انتقادی بین رویه های گوناگون بیان می شوند، انجام پژوهش کاربردی بر مبنای متدولوژی اثباتی دقیقاً امکان دارد.

رویکرد دیگر جهت افزایش درصد بیان انحراف، تمرکز بیشتر بر ویژگی های موقعیت هایی است که از تئوری های حد وسط^۴ که در بازه های خاصی معتبر هستند _ استفاده می شود (مرتون^۵، ۱۹۴۹). این نوع نحوه عمل، ضرورت پژوهش اندیشه نگاری است. مثالهای چندی از برنامه های پژوهشی اندیشه نگاری موفق در حسابداری با روش های کمی و کیفی موجود است. مدل تصمیم گیری عدسی برانزویک^۶ یک رویکرد اندیشه نگاری است تا بداند تصمیم گیرنده از اطلاعات حسابداری چه طور استفاده می کند. این مدل تئوری عمومی اطلاعات جهت تصمیم گیری نیست بلکه روشی است که وزن اطلاعات خاص استفاده شده در یک موقعیت خاص توسط مردم را می سنجد و به دنبال این است که کشف کند چگونه تغییرات در مجموعه اطلاعات بر تصمیمات افراد تأثیر دارد.

به طور کلی، پژوهش اندیشه نگاری به جزئیات و تحلیل کیفی موارد خاص می پردازد. به عنوان مثال بارچل، کلاب و هاپوود^۷ (۱۹۸۵) رویکردی رویکردی را برای مطالعه توسعه ی سیاست حسابداری به صورت یک فعالیت «ادغام شدنی» در پیکره فرایندهای اجتماعی معرفی نمودند. رویکرد مذکور بیان می دارد که انتخاب سیاست حسابداری بر بافت اجتماعی اثر می گذارد و از آن اثر می پذیرد؛ هر سیاستی که در حسابداری انتخاب شود، یک جزء منحصر به فردی از فرایندهای اجتماعی را فعال می کند. این مطالعات، توصیف دقیق و بازنگری شده ای از رویداد هایی است که به سیاست گزاران جهت فهم و درک بهتر فرایندهای ادغام شده کمک می کند. تعامل کلیدی بین رویکرد پژوهشی قانون گرایی و اندیشه نگاری در سطح تعمیم نتایج است. تعمیم پژوهش اندیشه نگاری از طریق توسعه ی قراردادهای بهتری جهت هدایت و گزارشگری موارد پژوهش و یا از طریق توسعه ی روش هایی است که منجر به اجماع نظر درباره اختلاف نظر ها بشود. در تدوین پژوهش کاربردی این تعامل ناپدید می شود، زیرا هدف پژوهش خدمت به گروه یا جامعه ی خاصی است. از دید صاحبکار، تعمیم نتایج بحث برانگیز است؛ سؤال این است که «آیا پژوهش نیازهای مرا برآورده می سازد؟» و این پرسش همان بُعد کلیدی انفصال بین شاغلان و دانشگاهیان است.

¹ Nomothetic

² Idiographic

³ Nagel

⁴ Mid-Range Theory

⁵ Merton

⁶ Brunswick Lens

⁷ Burchell , Clubb , Hopwood

پژوهش هدف محور ، پژوهش وابسته به متن

نکته ای که در اکثر پژوهشهای دانشگاهی به چشم می خورد، وجود مفروضات ضمنی است که پژوهشگران به سادگی در موضوعات عملی گزارش می کنند. معمولاً هیچ شناختی در باره اهمیت موضوعات انتخابی پژوهشگران، میزان تأثیر ارزش های شخصی بر رویکردها، معرفت-شناسی جامعه ای که در آن هستند و سیستم های پاداش دهی که در آن فعالیت می کنند، وجود ندارد. هم چنین تبعات حاصل از نتایج پژوهش روشن نیست. اکثر پژوهش ها اجزای هنجاری پنهان دارند. ما در تدوین مدل به ساز و کار بازار یا نحوه تصمیم گیری افراد توجه نمی کنیم؛ ولی سعی داریم افراد را طبق مدل هایمان آموزش دهیم. در پژوهش کاربردی، پژوهشگران باید مسئولیت تبعات اعمالشان را به عهده گیرند. پژوهش کاربردی که قصد دارد در رویه ها و فرایندهای جاری دخالت کند و تأثیر گذار باشد، نیازمند موفقیت است.

این حقیقت که پژوهش کاربردی رویه های اجتماعی را تغییر خواهد داد، این سؤال را در ذهن ایجاد می کند که «چه کسی از این تغییر تأثیر می پذیرد؟» مخصوصاً اگر تمام تغییرات به روش بهینه^۱ نباشد و عده ای متضرر و عده ای منتفع شوند (کاپلان و لوین^۲، ۱۹۹۷). پژوهش کاربردی برای یک صاحب کار یا یک جامعه خاص انجام می شود. انتخاب عنوان پژوهش و ملاک های شناسایی روش های قابل پذیرش برای مشکلات باید از ارزش های این جامعه منتج شده باشد. ذکر این نکته مهم است که حتی اگر پژوهش به قصد شناسایی موضوعات مورد توجه یک جامعه خاص باشد، روش های پژوهشی باید مستقل باشند. احتمال بالقوه ای آسیب دیدن گروه خاصی در پژوهش کاربردی و احتمال تبعیض در پژوهش، نیاز حاد به قضاوت اخلاقی را می طلبد؛ و شامل مواردی چون رویکرد اخلاقی موضوعات پژوهش، ارتباط بین سازمان های حمایت کننده مالی و پژوهشگر، احتمال بالقوه در تبعیض نتایج یا توقیف نتایج، استفاده اخلاقی نتایج پژوهش است. پژوهشگرمانند یک بازیگر اخلاق است که باید در انتخاب پروژه ها و چگونگی ارسال نتایج هوشیار و آگاه باشد.

«اقدام پژوهی» یکی از رویکردهای پژوهشی است که به طور تلویحی و ضمنی بیان می کند که قصد پژوهش تغییر رویه موجود است. این رویکرد، پژوهشگر را متعهد می کند که موضوعات پژوهشی را در فرایند به کار گیرد و با آنها تا رسیدن به پایان مورد انتظار کار کند.

کاپلان (۱۹۹۸) رویکردی را که او و همکارانش در توسعه سیستم ارزیابی متوازن و بهایابی بر مبنای فعالیت، به کار گرفتند، به عنوان شکلی از اقدام پژوهی می داند. هر دو تکنیک فوق الذکر از گفتگو بین کاپلان و مدیران ارشد و از کاوش های مکرر در باره رویکردهای جایگزین برای حل و فصل مشکلات خاص نشأت گرفت.

از این دیدگاه پژوهش کاربردی به صورت غیر قابل اجتنابی با اجرا و پیاده سازی آن پیوند خورده است. پژوهشگر نقش فعالی در آزمودن رویکردهای گوناگون رشته تخصصی دارد و گزارش ها را بر اساس نتایج آن آزمودنی ها ارائه می کند. در حسابداری این رویکرد پژوهشی در حوزه های حسابداری محیطی و حسابداری اجتماعی مشهود است.

راتری (۱۹۹۱) خاطر نشان می سازد که عمل گرایی به معنای نسبی گرایی نیست اما نوعی قوم مداری است. در حالیکه موقعیت نسبی (نسبیتی) بیان می کند که یک رویکرد پژوهشی به نسبت دیگری خوب است؛ رویکرد قوم مداری به بعد انتقادی می پردازد اما نیازهای استفاده کنندگان آن پژوهش را مرتفع می سازد. پژوهش عمل گرا بر مبنای معرفت شناسی متفاوتی نسبت به پژوهش اثبات گرا قرار دارد. پژوهش اثبات گرا پژوهشگر و موضوع پژوهش را اساساً مستقل فرض می کند. از دید عمل گرایی، موضوعات به طور فعالانه در فرایند پژوهش مشارکت دارند. ماهیت داده گردآوری شده و «تئوری های» آزمون شده قطعاً به درک موضوعات از شرایط و اهدافشان بستگی دارد.

بورسیه های پژوهشی و طرحهای پژوهشی

تمرکز فزاینده بر پژوهش کاربردی در حسابداری همسو با بازنگری اولویتها و گسترش دامنه پذیرش پژوهشهای (بورس های) تحصیلی در نوع «بورس های کاربردی» است. پژوهش کاربردی منعکس کننده جلوه ای از این نوع پژوهشهای تحصیلی است. این پژوهش نیازمند مشارکت بین دانشگاهیان و صاحبان صنایع و ذینفعان دانشگاهی است و به پژوهشی می انجامد که مورد علاقه صاحبان صنایع است و یا به

¹ Pareto

² Kaplan , Levine

افزایش توانایی شان در روبرویی با واقعیت می انجامد. از آنجاییکه بین برخی انواع مشاوره های سطح بالا و تخصصی و پژوهشهای کاربردی ممکن است که هم پوشانی اتفاق بیفتد، تفاوت کلیدی بین آنها در تعهد مداوم پژوهشگر به مشارکت گذاشتن تجارب خود به جای خلق دانش انحصاری و در نظر گرفتن نیازهای صاحبکار در قالب تعهدات اجتماعی گسترده پژوهشگر است.

بورس های کاربردی نقش خدمات دهی سنتی دانشگاهی را دارد اما بورس کاربردی مؤثر علاوه بر خلق دانش تکنیکی از یک موقعیت هنجاری استفاده می کند و در جستجوی زمینه ای برای تغییر اجتماعی است.

در تمامی پژوهشهای کاربردی یک صاحبکار ضمنی نماینده ی منافع عموم است. بنابراین امکان دارد که از پژوهش کاربردی برای ارتقای « قوه استدلال عموم» بهره جست تا به راه حل های جایگزین برای مشکلات جامعه رسید.

نتیجه گیری

ضرورت پژوهش کاربردی منعکس کننده تغییر در روابط بین دانشگاه ها و جامعه است. نقش سنتی دانشگاهیان در گره زدن مجموعه پژوهش دانشگاهی به کاربردهای حرفه ای آنها است. روشهای بسیاری برای انجام پژوهش کاربردی در حسابداری وجود دارند. نیاز است که کاربردهای پژوهش بنیادی در رشته هایی چون اقتصاد و روانشناسی در حسابداری نیز شناسایی شوند. هم چنین نیاز به فرایندی است که کاربردهای کارهای نظری و تئوری برای آموزش و عمل حسابداری را شناسایی نماید. امکان دارد که پژوهش کاربردی را با روش شناسی سنتی اثبات گرایی انجام داد، مخصوصاً اگر پژوهشگران بتوانند آزمونهای انتقادی رویکردهای رقیب حسابداری را فرموله کنند که به شاغلان کمک خواهد نمود تا تکنیک های «ارجح» را شناسایی کنند (که بر اساس اهدافشان می باشد). اما این رویکردها، کمک چندانی به ما در برطرف کردن انفصال بین دانشگاه و حرفه نمی کنند.

برای کم کردن انفصال بین دانشگاه و حرفه، پژوهش کاربردی حسابداری نیازمند رویکردی متفاوت در شناسایی پرسشهای پژوهش و نیازمند معرفت شناسی متفاوتی است. پژوهش کاربردی باید یک صاحبکار داشته باشد یا حداقل باید صراحتاً گروه هایی را که در جامعه تحت تأثیر پژوهش قرار خواهند گرفت، مشخص نماید و بنابراین نمی تواند ارزش های صاحبکاران برای پیامدهای حاصل از پژوهش را نادیده بگیرد. این رویکرد به پژوهش امکان دارد حین اجرا درون محیط های سازمانی فعلی با مشکل مواجه شود.

دلمشغولی دیگر نبود علوم پایه ای توسعه یافته است که دری را به سمت آگاهی از ارزشهای مشکوک بگشاید. این انتقاد، فرض می کند که یک فرایند خطی وجود دارد که پژوهش بنیادی، پژوهش کاربردی، و توسعه/ اجرا (پیاده سازی) رویه های جدید را به یکدیگر می پیوندد. پیترسون^۱ (۱۹۹۱) این را به نام مدل «علوم کاربردی» می نامد. دیدگاه مدنظر این مقاله رویکرد «رویه انعکاسی» است که بیان می کند، پژوهش کاربردی از نظر فلسفی رویکردی متمایز در خلق دانش است. پژوهش کاربردی از این دیدگاه صرفاً کاربرد نتایج پژوهش بنیادی نیست، بلکه رویکرد موجه فلسفی در خلق دانش است.

مانع اضافی در توسعه دیدگاهی کاربردی، سیستم پاداش دهی به پژوهشگران دانشگاهی است. اکثر دانشکده های حسابداری/ علوم بازرگانی هنوز به ملاکهای سایر علوم اجتماعی برای ارتقا و تصدی دانشکده هایشان چسبیده اند. سیستم پاداش دهی تأکید بر چاپ پژوهش در مجلات دانشگاهی با رتبه علمی_ پژوهشی دارد و برنامه های پژوهشی در روال سنتی تأمین مالی می شوند. دانشگاهیان در علوم بازرگانی تشویق می شوند بر انباشت منظم دانش تمرکز کنند. با دانستن تاریخچه آموزش علوم بازرگانی و تقاضای مستمر برای فارغ التحصیلان آموزشگاه های حسابداری، انجام پژوهش کاربردی برای اکثر دانشگاهیان مشکل خواهد بود.

مشکل دیگر اکثر دانشگاهیان جهت تفکر عمیق در پروژه پژوهش کاربردی این است که میزان آموزشی که در درس روشهای پژوهش می گیرند، محدود به یک شکل از اثبات گرایی است که ذاتاً ارزیابی مشکلات از دید کاربردی را کم رنگ می سازد. این روش رویکردی به علوم است که به تقویت رهایی بین پژوهشگر و موضوعات پژوهش کمک می کند؛ که ممکن است به مضرترین انفصال بین دانشگاه ها و حرفه باعث شود که بر طرف کردن آن مشکل است.

به این ترتیب «پژوهش کاربردی» در حسابداری چیست؟ پژوهش کاربردی اشاره به تداوم فعالیتها دارد. ابتدا، در پایه ای ترین شکل، پژوهش کاربردی استفاده از دانش موجود برای یافتن راه حل هایی برای مشکلات فعلی و جاری است. این شکل از پژوهش کاربردی را اکثر شاغلان در حل ابهام های رویه ها دنبال می کنند. دوم، پژوهش کاربردی استفاده از روش های پژوهش اثباتی جهت انجام آزمون های انتقادی بین روش های جاری حسابداری و شناسایی نظم های عملی جهت توسعه دانش فنی حرفه است. این شکل، متداولترین رویکرد در پژوهش کاربردی در ادبیات جاری است. در آخر، پژوهش کاربردی شکلی از کاوش منظم و یک رویکرد موجه فلسفی به خلق دانش است که از همکاری بین پژوهشگر و موضوعات پژوهش در توسعه تئوری حد وسط و در ایجاد نتایج عملی که به پیشبرد علایق یا افزایش تواناییهای یک جامعه مشخص بینجامد، نتیجه می شود. به این شکل از پژوهش کاربردی نیاز است تا انفصال بین دانشگاه و حرفه برطرف شود.

¹ Peterson

منابع و مراجع

¹ - Applied Research in Accounting

² -Alan J.Richardson